

باسمه تعالی

درس دوم: هدایت مستمر

در این درس می خواهیم به پاسخ این سوال بپردازیم:
آیا خداوند یک دین برای مردم فرستاده است و پیامبران الهی راهنمایان مردم به یک دین بوده اند یا اینکه پیامبران مردم را به ادیان مختلف دعوت کرده اند؟

تدبر

به ترجمه آیات زیر توجه کنید و به سوالهای طرح شده پاسخ دهید:

ترجمه آیات قرآن کریم

۱. «خداوند برایتان از دین همان را تشریح کرد که نوح را بدان توصیه کرد. و آنچه ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم این بود که دین را بپا بدارید، و در آن تفرقه نیندازید»^۱
۲. «دین پسندیده، نزد خداوند اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نیبمودند مگر پس از آن که به حقایق آن آگاه شدند، و این انشقاق را از به واسطه رشک و حسد به میان آوردند»^۲
۳. «[این دین] آئین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید»^۳
۴. «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه پاکدین و مسلمان بود»^۴

سوالات

- الف. خداوند از پیامبران می خواهد در چه چیزی متفرق نشوند؟
.....
.....
- ب. دینی که مورد پسند خداست، چه نام دارد؟
.....
- ج. اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) درباره چه اختلاف کردند؟
.....
.....
- د. علت اختلاف اهل کتاب چه بود؟
.....
.....
- و. حضرت ابراهیم چه دینی داشت؟
.....
- د. مسیحیان و یهودیان او را پیرو چه دینی می دانستند؟
.....
.....

^۱سوره شوری، آیه ۱۳.

^۲سوره آل عمران، آیه ۱۹.

^۳سوره حج، آیه ۷۸.

^۴سوره آل عمران، آیه ۶۷.



بر اساس آیات قران کریم خداوند یک دین برای انسان‌ها، از ابتدا تا انتها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است همین دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه را در پیش نگیرند. انبیاء هم این فرمان را اطاعت کرده و ماموریت خود را انجام داده‌اند.

حال باید بدانیم:

۱. چرا خداوند فقط یک دین برای بشر فرستاده است؟
۲. با وجود یکی بودن دین، چرا خداوند پیامبران متعدد فرستاده است؟
۳. چرا امروزه ادیان مختلفی در جهان وجود دارد؟

فطرت مشترک، منشا دین واحد

فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند؛ این انسان‌ها با اینکه در در برخی خصوصیات مانند نژاد، زبان، و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت دارند ولی در ویژگی‌های فطری مشترکند. و به همین جهت نام مشترک انسان گرفته‌اند. به طور مثال:

✚ همه انسان‌ها از استعداد تفکر و قدرت اختیار برخوردارند.

✚ انسان‌ها فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، حسادت و دروغ بیزارند.

✚ انسان‌ها به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند

✚ از فنا و نابودی گریزان و در جستجوی زندگی جاودانه هستند.

به سبب این ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها عنایت کرده تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است. در این برنامه از انسان خواسته می‌شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی به ایمان قلبی دست یابد. ایمان به

❖ خدای یگانه و دوری از شرک

❖ سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه

❖ عادلانه بودن نظام هستی

❖ فرستادگان الهی

و در حیطة عمل، از انسان خواسته می‌شود با ایمانی که کسب کرده است تلاش نماید تا:

- با انجام واجبات دین و ترک حرام‌های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.
- ویژگی‌های مثبت اخلاقی مانند عفت، راستگویی، امانت داری را کسب نماید و از ویژگی‌های منفی اخلاقی مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا دوری کند.
- جامعه‌ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

هر پیامبری که از جانب خداوند آمده مردم را به این ها فراخوانده است. به همین دلیل محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است و همه آنها یک دین آورده اند. آری، تعالیم انبیاء در برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره با یکدیگر تفاوت داشته است؛ مثلاً همگی پیامبران به نماز دعوت کرده‌اند، اما در شکل و تعداد رکعت‌های آن تفاوت‌هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت‌ها سبب تفاوت در اصل دین نشده است.



علل آمدن پیامبران مختلف

در پاسخ به سوال دوم می‌توان گفت فرستادن پیامبران متعدد به این دلایل بوده است:

الف. لزوم استمرار و پیوستگی در دعوت: لازمه ماندگاری و استقرار یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف دین الهی را تبلیغ می‌کردند. آنان سختی‌ها را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها بماند و گسترش یابد و شرک و ظلم و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد تعالیم الهی در میان مردم ریشه بزند و جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ آنان شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

ب. رشد تدریجی سطح فکر مردم: علت دیگر آمدن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از همین رو لازم بود تا در هر عصر و دوره ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه‌ی از سان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند. در حقیقت هر پیامبری که بعد از پیامبر قبلی آمده، درباره توحید، معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

پیامبر اکرم می‌فرماید:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا
أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ^۵
ما پیامبران امر شده‌ایم
که با مردم به اندازه عقل‌شان سخن بگوییم

ج. از بین رفتن و یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین: به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می‌شد یا به گونه‌ای تغییر می‌یافت که با اصل آن متفاوت می‌شد؛ بر این اساس پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و صحیح را بار دیگر به مردم ابلاغ می‌کردند.

فعالیت کلاسی:

به نظر شما اگر خداوند در همان آغاز آفرینش آدم، برنامه خود برای زندگی از سان را یکبار برای همیشه توسط یک پیامبر به انسان‌ها ارائه می‌کرد، چه اتفاقی برای انسان‌های همان عصر و انسان‌های سایر عصرها می‌افتاد؟

بیشتر بدانیم

تحریف در تورات و انجیل

شما احتمالاً نام کتاب مقدس را شنیده اید. این کتاب متشکل از دو قسمت تورات (عهد عتیق) و انجیل (عهد جدید) است. و به همین دلیل به عهدین نیز شناخته می شود. تورات فقط کتاب مقدس یهودیان است ولی مسیحیان هم تورات و هم انجیل را باهم به عنوان کتاب مقدس قبول دارند. وجود تعلیمات متناقض با عقل، قرآن کریم و علم نشان می دهد عهدین مورد تحریف واقع شده است. یهودیان تورات را در تابوت مقدس نگهداری می کردند. در سال ۵۸۶ قبل از میلاد مسیح، بخت النصر طی حمله ای تابوت و تورات را نابود کرد. تا اینکه یهودیان در سال ۴۷۵ قبل از میلاد تورات را مجدداً جمع آوری کردند؛ یعنی ۱۱۱ سال خبری از تورات و محتوای آن نبود که وقوع تحریف را بسیار ممکن می سازد. به همین دلیل در جمع تورات مطالب فراوانی از مشرکان و بت پرستان وارد شد. در قرن های اول مسیحی حدود صد انجیل وجود داشت که کلیسا فقط چهار مورد را پذیرفت و به آنها رسمیت داد. امروزه نیز این چهار انجیل مرسوم است. نسبت این انجیل و مابقی آنها به مولفانشان جای تردید فراوان دارد. در تورات خداوند فردی ناقص، ترسو و حسود معرفی شده است. از نظر تورات علت اینکه خداوند آدم و حوا را از درخت ممنوعه نهی کرد و آنان را از بهشت اخراج کرد این است که خداوند ترسید آدم با خوردن از میوه درخت ممنوعه به نیک و بد آگاه شود و زندگی جاودانی بیابد و همانند خداوند شود. از نظر قرآن کریم این امر با علم، حکمت، قدرت و غنای الهی ناسازگار است. در تورات نسبت های ناروایی به پیامبران الهی صورت گرفته است؛ همانند اینکه حضرت لوط توسط دخترانش با شراب مست و در نتیجه با دختران خود همبستر شد. حضرت ابراهیم به علت ترس از جان خود، ساره همسرش را در دربار فرعون به عنوان خواهرش معرفی کرد و در نتیجه فرعون با او ازدواج کرد. وقتی فرعون از این موضوع باخبر شد ابراهیم را سرزنش و از مصر بیرون کرد. در تورات حضرت داود برای اینکه بتواند با همسر یکی از سردارانش ازدواج کند او را در جنگ به عمد به کشتن می دهد. در تورات حضرت سلیمان به خاطر تمایل همسرانش به بت پرستی، دستور ساخت بتخانه های فراوانی را صادر می کند. در انجیل حضرت عیسی در اثر معجزه ای در یک مراسم عروسی شرابی بسیار مست کننده تهیه می کند. این تهمت ها با عصمت و رسالت انبیاء ناسازگار است و قرآن همگی آنها را از پیامبران رد می کند.



علل وجود ادیان مختلف

تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیاء الهی نشان می دهد هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث می شد پیامبران گذشته را تصدیق و خود را ادامه دهنده راه آنان معرفی می کرد. پیامبر جدید از مردم می خواست به دستور خداوند از او پیروی کنند و یاری اش دهند. هیچ پیامبری، پیامبر قبلی را رد نکرد بلکه خود را ادامه دهنده راه او و تصحیح کننده تحریفات صورت گرفته در تعالیم پیامبر قبلی معرفی می کرد. پیامبر اعظم نیز که در سلسله انبیاء قرار داشت و پایان دهنده این سلسله بود از همین روش پیروی کرد؛ همانطور که خداوند او را این گونه معرفی می فرماید:

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ^۶

جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ

ما هم چنان که به نوح و پیامبران بعد از او، وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم؛

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا^٧

و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم، و به داوود زبور بخشیدیم.

پیامبر اکرم خود را ادامه دهنده راه همه انبیاء و تمام کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست به ایشان ایمان آورند. با وجود آنکه وعده آمدن ایشان در تورات و انجیل داده شده بود، برخی از بزرگان یهودی و مسیحی رسالت پیامبر رحمت را انکار کردند و حتی به مبارزه علیه ایشان برخاستند.

قرآن کریم منشا اصلی اختلاف و چند دینی را آن دسته از رهبران دینی می‌داند که به خاطر حفظ منافع دنیوی (ثروت و قدرت) دست به انکار پیامبران می‌زدند و منشا اختلاف در ادیان بودند. این دلیل درباره ادیانی است که منشا اصلی آنها الهی است. امروزه ادیانی در روی زمین وجود دارد که کاملاً به دست انسان‌ها ساخته شده است و هیچ وحی و تایید الهی در آن وجود ندارد. برخی از سازندگان این ادیان خود را به دروغ پیامبر معرفی کرده‌اند و برخی نیز خود را از جانب خدا نمی‌دانند بلکه آنچه به فکرشان رسیده در قالب یک دین به مردم عرضه کرده‌اند.

اندیشه و تحقیق

-۱

-۲

-۳